

اهمیت بهره‌گیری از متون جغرافیای تاریخی و سفرنامه‌ها برای شناخت جایگاه شهر همدان در دوران اسلامی

زهرا پورشعبانیان^۱ محمد مرتضایی^۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

چکیده

شهر همدان به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد اقلیمی و ساختار شهری، از دوران پیش از اسلام، همواره به عنوان یکی از شهرهای شاخص در ناحیه غرب ایران به حساب می‌آمده است. استقرار اعراب و خاندان‌های گوناگون در طول سده‌های اسلامی در نواحی مختلفی از همدان، منجر به ایجاد تغییر و تحولات عمده‌ای در بافت شهری گردید. پیرامون تغییر و تحولات و توسعه بافت شهری همدان اسناد تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی مهمی از دوران اسلامی برجای مانده است. حال این پرسش مطرح می‌گردد که آیا متون تاریخی قادر خواهند بود تا زمینه‌ها، دلایل و فرآیند، توسعه شهر در طی دوران اسلامی را روشن سازند؟ آیا با اتکا به اطلاعات تاریخی می‌توان چگونگی سازمان فضایی این شهر در روزگار اسلامی و در زمان انتقال به دوره قاجار را معلوم داشت؟ بر مبنای پرسش‌های فوق، هدف پژوهش حاضر، بررسی تداوم حیات در بافت شهری همدان است. در این مقاله با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به متون جغرافیایی و تاریخی، حیات شهر همدان را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم تا بتوان با بررسی دلایل جغرافیای طبیعی و بافت کهن شهری، شاخص تداوم حیات این شهر کهن را نمایان سازیم.

واژه‌گان کلیدی: همدان، تمدن اسلامی، جغرافیای تاریخی، بافت شهری

^۱ - مدرس مدعو دانشگاه جامع علمی کاربردی- فرهنگیان و فنی و حرفه‌ای zahra_pourshabanian@yahoo.com

^۲ - دانشیار باستان‌شناسی و تاریخ/ هیات علمی پژوهشکده میراث فرهنگی کشور m_mortezayi@yahoo.com

۱. مقدمه

توسعه بافت شهری همدان و تغییر و تحولات حاصل از این توسعه، همواره از موارد پر اهمیت در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسانه است. پیرامون تغییر و توسعه هسته مرکزی بافت شهری و نحوه تغییرات اسناد تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی مهمی از دوران اسلامی برجای مانده است که گاه آن‌ها را می‌توان با شواهد موجود در بافت فعلی، تطبیق داد، و گاهی اندک شواهد باستان‌شناسی، گویای وجود آن‌ها در ادوار گذشته بوده است.

آنچنان که از منابع تاریخی بر می‌آید، هسته مرکزی بافت شهر همدان در طی دوران تاریخی شکل گرفته است؛ اما در طی دوران اسلامی بر مبنای گفته مورخان و جغرافی‌نویسان، این هسته به سبب ورود اعراب، حکومت‌های محلی و سوانح طبیعی چندین بار، دچار تغییر گشته است. از شواهد موجود در منابع مکتوب، مشخص است که توسعه بافت شهری در سده‌های نخستین اسلامی، تابع الگوی پیش از اسلام بوده است؛ اما با ورود به دوران میانه اسلامی کم‌کم بافت شهری پیش از اسلام در حاشیه ساختار اصلی شهر قرار گرفته و در طی دوران صفویه و متعاقباً قاجار گسترش شهر به گونه‌ای بوده است که بافت تاریخی و بافت اسلامی، تکمیل‌کننده ساختار شهری بودند و بناهای هر دو دوران در محدوده مشترک قرار گرفته است. علیرغم این نکات کلیدی و کثرت منابع دوران اسلامی، آگاهی‌های ما در خصوص جغرافیای شهری به علت عدم مطالعات منسجم باستان‌شناسی در شهر همدان با کاستی‌های فراوانی همراه است و دقیقاً به همین سبب است که مطالعه جغرافیای شهری همدان در دوران اسلامی می‌تواند زمینه‌های روشنی را در بازشناسی تاریخ شهرسازی و معماری این دوران پیش روی ما قرار دهد.

بی‌شک مطالعات میدانی و باستان‌شناسانه در شهرسازی همدان، با وسعت و فراوانی این پژوهش‌ها، مستلزم زمان طولانی و هزینه بالا و کاوشگران فراوان است. به نظر می‌رسد با مطالعات جغرافیای تاریخی بتوان اطلاعات جالبی از تغییر و تحولات شهری همدان به دست آورد. با این همه، این پرسش مطرح می‌گردد؛ که آیا متون تاریخی قادر خواهند بود تا زمینه‌ها، دلایل و فرآیند توسعه شهر در طی دوران اسلامی را روشن سازند؟ آیا با اتکا به اطلاعات تاریخی می‌توان چگونگی سازمان فضایی این شهر را در روزگار اسلامی و در زمان انتقال به دوره قاجار معلوم داشت؟

با استناد به متون جغرافیایی و تاریخی؛ شهر همدان به دلایل جغرافیای طبیعی و بافت کهن شهری، یکی از شهرهای شاخص دوران اسلامی است، و متون زیادی به بیان علل و چگونگی تغییرات شهرسازی آن پرداخته‌اند، و فرض بر آن است که شناخت و ترسیم تغییر و تحولات و سازمان فضایی شهر همدان بر اساس منابع تاریخی امکان‌پذیر خواهد بود.

۲. پیشینه پژوهشی

کتاب‌ها و مقالات متعددی در طول سده‌های مختلف اسلامی در مورد شهر همدان نوشته شده است. در تقسیم‌بندی منابع مطالعاتی مذکور می‌توان آن‌ها را در سه گروه عمده تقسیم‌بندی نمود:

گروه اول: شامل کتاب‌ها و مطالبی همانند سیف‌آبادی (۱۳۱۸)، خواندمیر (۱۳۳۳)، اصطخری (۱۳۴۰)، حسینی حائری مجدی (۱۳۴۲)، غفاری-قزوینی (۱۳۴۳)، یعقوبی (۱۳۴۷)، ابن فقیه (۱۳۴۹)، ابوالفدا (۱۳۴۹)، الاثیر (۱۳۵۲)، خزرچی (۱۳۵۴)، مقدسی (۱۳۶۱)، گردیزی (۱۳۶۳)، ابن حوقل (۱۳۶۶)، قدامه (۱۳۷۰)، محمودقزوینی (۱۳۷۳)، حافظ‌ابرو (۱۳۷۵)، طبری (۱۳۷۵)، مستوفی (۱۳۷۵)، حاجی خلیفه (۱۳۷۶)، -مطراق‌چی (۱۳۷۹)، حمدالله مستوفی (۱۳۸۱)، طوسی (۱۳۸۲)، منشی قمی (۱۳۸۳) هستند که همگی توسط مورخان و جغرافی‌نویسان به رشته تحریر درآمده است، در منابع مذکور، ساختار شهری همدان و تغییر و تحولات آن در طی دوران اسلامی بیان شده است، در برخی از این کتاب‌ها، توضیحات مفصلی در خصوص آب و هوا و ویژگی‌های طبیعی شهر، بافت شهری، سبیل‌ها و نمادها، فرهنگ و آداب و رسوم، جنگ‌ها و وقایع سیاسی نظامی نوشته شده است و در برخی دیگر از کتاب‌ها، تنها به نامی از شهر اکتفا شده است و یا سخن پیشینیان را عیناً تکرار کرده‌اند.

گروه دوم: شامل کتاب‌ها و سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی همانند فلاندن (۱۳۵۶)، دروویل (۱۳۶۵)، بلوش (۱۳۶۹)، دلاواله (۱۳۷۰)، اولویه- (۱۳۷۱)، شاردن (۱۳۷۲-۱۳۷۵)، باکینگهام (۱۳۸۰)، تودولایی (۱۳۸۰)، سایکس (۱۳۸۰)، ملکم (۱۳۸۰)، موریه (۱۳۸۶)، جکسن (۱۳۸۷) است، از دوران پیش از دوران صفویه، سیاحان اروپایی از نقاط مختلف ایران دیدن نمودند، در دوره صفویه و قاجار این سفرها افزایش بیشتری یافت. جهانگردان با ورود به شهرهای مختلف در خصوص ساختار و بافت شهری آن‌ها و میزان اهمیت شهر نسبت به پایتخت، توضیحات کاملی ارائه نموده‌اند؛ نقشه‌ها و طرح‌های ارائه شده از ساختار شهری همدان توسط سیاحان، اطلاعات شاخصی از تغییر و تحولات در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

گروه سوم: شامل منابع مکتوب معاصر است که به تحلیل داده‌های پیشین پرداخته و نسبت به ساختار امروزی شهر، میزان تغییر و تحولات را تخمین زده است. با این نگرش و با استناد به مطالب فوق می‌توان نگاه روشن‌تری نسبت به وضعیت بافت همدان پیدا نمود. مقاله حاضر به گزارش یافته‌های نویسنده آن در این عرصه می‌پردازد تا ساختار شهری همدان را روشن‌تر نماید.

۳. روش پژوهش

تحلیل مطالعات کتابخانه‌ای، دید روشن‌تر و جامع‌تری نسبت به موضوع در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد؛ بر این مبنا، اسناد و متون که شامل نقشه‌ها، تصاویر و مطالب تاریخی و جغرافیایی است، مورد مطالعه قرار گرفته و داده‌های حاصل با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، تبیین و تحلیل گردیده است.

۴. ساختار شهری همدان در دوران اسلامی

همدان در پایان سال ۲۳ هـ. ق، توسط جریر بن عبد الله بجلی و با همان شرط‌های صلح نهانند فتح گردید (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۳۶- یعقوبی، ۱۳۴۷: ۴۷). و در روایتی دیگر در سال ۲۳ هـ. ق، حکمران شهر همدان با مسلمانان صلح کرد، ولی این صلح دوامی نیافت، جنگی درگرفت و شهر به قهر گشوده شد و بسیاری از مسلمانان در آن، ساکن شدند؛ از جمله آنان بنو سلمه بود که ریاست شهر را به دست آورد (خزائن کردستانی، ۱۳۲۳: ۲۳). در طی دوران اسلامی، همدان وارد مرحله جدیدی از تغییر و تحولات تاریخی و شهری گردید و در این خصوص، دیدگاه برخی از مورخان و جغرافی‌نویسان مسلمان، حائز اهمیت است.

شهر همدان در ورود اسلام، دارای اسپیددژ با تعدادی خانه در حوالی آن بوده است که آن را قصر ابيض می‌خواندند. بعد از آن دیواری، گرد آن ساختند که چهار دروازه داشت؛ پس از اندک زمانی، عمارت‌هایی را در اطراف آن افزودند. در سال ۶۲ هـ. ق گورستان‌ها را از دروازه شهر دور ساختند، دروازه‌ای ساختند و شهر را از هر سو یک فرسنگ گسترش دادند، تا جایی که امن‌تر از آن شهری در اسلام نبود (سیف‌آبادی، ۱۳۱۸).

۴۰۴). دو قلعهٔ ابیض و قلعهٔ شهرستان موجود در شهر هر دو دارای سه حصن بودند و قلعهٔ ابیض، منصوب به دارا بوده، که در نبرد با اسکندر، حصن آن از بین رفته است (طوسی، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

عبدالرحمان در سال ۱۹۵ هـ ق در رویارویی با طاهر ذوالیمین پیش از نبرد به همدان وارد شد، راه‌های آن را بست، حصار و درهای شهر را استوار کرد و رخنه‌ها را بست و بازارها را به پا کرد و ارباب صنعت را فراهم آورد، و لوازم و آذوقه آماده کرد و برای مقابله و نبرد طاهر آماده شد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۴۶۳/۱۲). گردیزی نیز در سال ۴۳۳ هـ ق و مستوفی در سال ۷۳۰ هـ ق در رسالهٔ خود با بیان نبرد عبدالرحمان و طاهر به وجود حصار در شهر همدان در سال ۱۹۵ هـ ق اشاره دارند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۶۷؛ مستوفی، ۱۳۳۹: ۳۰۹).

دو سده بعد از ورود اسلام، همدان به عنوان شهری با وسعت و جلیل‌القدر و دارای اقلیم‌ها و استان‌های بسیار مطرح است، که چشمه‌ها و رودخانه‌ها از هر سو آن را فرا گرفته است (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۴۷) و جایگاه بزرگترین شهر جبل را داراست، و وسعت آن چهار فرسنگ^۳ در چهار فرسنگ بوده است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۳۶). سه دهه بعد، در سال ۳۱۹ هـ ق دیلمیان در همدان حکومت کردند، و همدان مرکز کشمکش‌های فراوان بین حسنویه، دیلمیان و کاکویه قرار گرفت. تا آن که سرانجام همدان در تقسیمات اقلیمی به رکن‌الدوله رسید (سیف‌آبادی، ۱۳۱۸: ۳۰۵). سپس شمس‌الدوله از جانب سیده خاتون زمامداری همدان را به دست گرفت (سیف‌آبادی، ۱۳۱۸: ۳۰۸). طی این دوران، وسعت شهر و وجود چهار دروازهٔ آهنین و بناهای ساخته شده از گل، بسیار شایان توجه است، باغ‌های بسیار، شهر را احاطه کرده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۴). چشمه‌های فراوان معدنی و معادن در همدان به فراوانی یافت می‌شود (خزرجی، ۱۳۵۴: ۶۸).

در سال ۳۴۵ هـ ق در همدان و اطراف آن، زلزلهٔ عظیمی واقع شد و عدهٔ بسیاری زیر آوار مردند و شهر تخریب گشت (ابن اثیر، ۱۳۵۲: ۲۰/۲۳۶). علی‌رغم زلزلهٔ مذکور و ویرانی حاصل، دو دهه بعد همدان همچنان در زمرهٔ شهرهای بزرگ قرار دارد و مساحت آن، یک فرسخ در یک فرسخ بوده و چهار درب آهنی و بناهای ساخته شده از گل در آن موجود است. حصار در اطراف شهر وجود دارد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵). پیش‌تر در سال ۱۹۵ هـ ق به وجود حصار اشاره شده بود و به جز ابن حوقل، دیگر مورخان، طی چهار سده به وجود حصار اشاره‌ای نکرده‌اند، سخنان وی اشاره به ترمیم و بازسازی شهر در ابعاد محدودی دارد؛ به گونه‌ای که در دو دهه بعد، همدان از دیدگاه مورخان، شهری نیکو، اما نه چندان آباد و دارای شهرک ویران در درون شهر و ربض دور آن توصیف شده است. جامع^۴ کهن و آبرومند همدان از ویژگی‌های بارز در ساختار شهری سدهٔ چهارم در همدان است، جامع در بازار پر از ساختمان‌هاست. بازار در سه رده نهاده شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۵/۲) و نشان از رشد اقتصادی شهر دارد و باغ‌ها و چشمه‌های بسیار در درون شهر نشان از عدم تغییر الگوی ساختاری است. آل کاکویه دیالمه کردستان هستند که از ۳۹۸ تا ۴۴۳ هـ ق در همدان، فرمانروایی مستقل داشته‌اند (حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۳۱۴).

غزها در سال ۴۳۰ هـ ق وارد همدان شدند و شهر را به باد نهب و غارت گرفتند (ابن اثیر، ۱۳۵۲: ۹۸/۲۲). پس از این تاریخ، شهر بارها مورد هجوم غارتگران قرار گرفت و ویران گشت. ابوالنجار گرشاسف بن علاءالدوله از امرای بنی کاکویه در زمان پدرش صاحب همدان و توابع بود تا آن که در ۴۳۷ هـ ق سلاجقه آن ملک را از او گرفتند (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۸۲).

در سدهٔ چهارم و پنجم هجری همدان مرز انشعاب شاهراه‌های تجاری ایران است (قبادیانی، ۱۳۳۵: ۲۹۶). شهری بزرگ و قدیمی که در حدود ۵۰۰۰۰ یهودی در آن ساکن هستند؛ زیرا یکی از مهمترین کنیسه‌های یهود، مقبرهٔ استرمردخای در محلهٔ یهودیان شهر همدان قرار دارد (تودولایی، ۱۳۸۰: ۱۲۶). همدان طی سدهٔ ششم هـ ق پایتخت سلاجقهٔ عراق عجم مسعود غیاث الدین ابوالفتح بن سلطان محمد بود. این امر، طبعاً مشمول توسعهٔ شهر با احداث قلعه‌ها و عمارات مختلف گردید (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۱۱۱-۱۱۲). تعدد مدارس در ساختار شهر همدان در طی دوران سلجوقیان به اندازه‌ای است که برخی از شاهان و بزرگان این سلسله همانند سلطان طغرل بن محمد در مدرسهٔ طغرلیه و سلطان مسعود نیز در مدرسه دیگر مدفون هستند (سیف‌آبادی، ۱۳۱۸: ۳۶۰) و دادرس بوسعد محمد در سال ۵۱۸ هـ ق در جامع همدان کشته شد (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۵۵۰/۱).

^۳ هر فرسنگ ۶,۲۴ کیلومتر است

^۴ مسجد جامع

طی حملات مغولان، همدان بارها مورد تهاجم آنان قرار گرفت و تخریب گردید؛ اما تازش مغولان در سال‌های ۶۱۸ هـ.ق کشته شدن عدۀ کثیر و غارت شهر را به دنبال داشت (ابن اثیر، ۱۳۵۲: ۳۲/۲۲۷). مغولان در سال ۶۲۱ هـ.ق مجدداً به همدان حمله نمودند و به قتل و غارت و اسیر کردن مردم پرداختند و شهر را ویران کردند و بدین‌گونه همه شهر را نابود ساختند (ابن اثیر، ۱۳۵۲: ۳۲/۲۵۹).

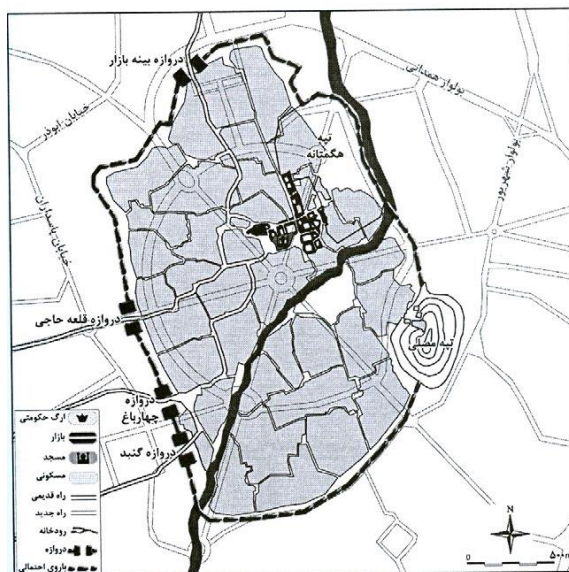
در ۶۲۳ هـ.ق همچنان شیرسنگی به عنوان طلسم بر سر دروازه نصب است (یاقوت حموی ۱۹۷۷ م، ۵/۴۱۵). این دروازه و طلسم آن در سفرنامه ناصر خسرو سده چهارم نیز بیان شده بود، و اشاره یاقوت به این طلسم، نشان از وجود آن بعد از دو قرن بر دروازه شهر دارد.

در اواخر قرن هفتم، قزوینی بر مبنای کتب فرس، همدان را همچنان بزرگترین شهر جبال می‌داند که این، نشانگر توسعه مدنی شهر می‌باشد. وی همانند ابن فقیه در قرن سوم وسعت شهر را چهار فرسنگ بیان کرده است و همانند یعقوبی به چشمه‌های همدان اشاره دارد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۵۹). ابوالفدا در *تقریم البلدان*، ساختار شهری همدان را از قول ابن حوقل و کاملاً مشابه او ذکر می‌کند (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۴۸۳)؛ در نتیجه وی یا شهر همدان را ندیده است و یا آن که شهر از لحاظ وسعت پیشرفتی نداشته است.

مستوفی در توصیف بافت شهری همدان آورده است؛ همدان در آغاز، شهری بسیار بزرگ بوده؛ چون خرابی به آن راه یافت، جمشید پیشدادی تجدید عمارتش کرد و دور آن، بارویی به اندازه دوازده هزار گام کشید؛ اما اکنون در میانه شهر، قلعه گیلین وجود دارد که آن را شهرستان خوانند. بنای آن را دارا بن داراب گذاشت؛ لیکن اکثر آن قلعه اکنون خراب است، در اندرون شهر، چشمه‌ها و باغستان‌ها بسیار است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

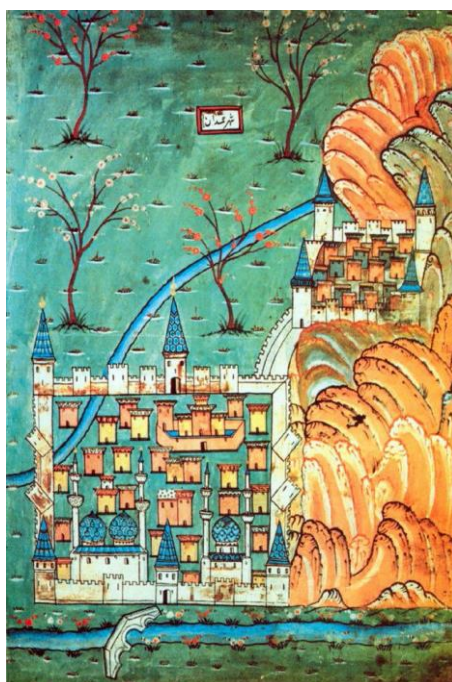
حافظ ابرو ۷۳۷ هـ.ق به «شهر نو» همدان اشاره نموده که در دوران ایلخانیان به سبب تخریب شهر کهن ساخته شده است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۶/۱، ۹۲). ساختار شهر تا حدی اهمیت سابق را بازیافت و بناهایی نظیر خانقاه در آن ساخته شد (خواند امیر، ۱۳۳۳: ۳/۱۸۹) و مدارس علوم دینی توسعه یافت (همان، ۳/۲۵۵).

از ویرانی‌های این شهر در یورش تیمور، آگاهی‌های زیادی در دست نیست؛ چون حمله تیمور بیشتر با هدف به دست آوردن غنایم و اموال شهریان بوده است، این تازش‌های پی در پی، شهر را دچار رکود در ساخت و ساز نموده و شهرنشینان را هم وادار به محافظه‌کاری کرده است؛ آثار و شواهد این شیوه در زندگی امروزه اهل همدان به روشنی قابل درک است. تصویری که از شهر در این دوره، قابل ارائه است، قرارگیری شهر در دو سوی رودخانه الوسجرد با دروازه‌هایی در غرب می‌باشد (قراگوزلو، ۱۳۶۶: ۵۸۸-۵۸۹). مساحت تقریبی همدان آن زمان در حدود ۳۴۰ هکتار بوده است (پاکزاد، ۱۳۹۲: ۳۷۴)، (تصویر ۱).



تصویر ۱- موقعیت همدان در دوره تیموری روی شبکه خیابان کشی های امروزی شهر همدان (پاکزاد ۱۳۹۲، ۳۷۴)

نقاشی ارزشمندی از شهر، توسط نصوح مطراق چی در سال ۹۴۲ ه.ق، نقاش همراه لشکر عثمانی در دوره صفویه تهیه شده که نشانگر چهار دروازه در شهر همدان می باشد (مطراق چی، ۱۳۷۹: ۹۷)، (تصویر ۲). منشی قمی در قرن دهم ه.ق از شهر همدان، تحت عنوان جایگاه شاهان یاد می کند و خرمی بقعه های این شهر را به جهت آب و هوای خاص آن می داند (منشی قمی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۹۹). حسینی-حائری در گفته هایش عیناً مطالب مستوفی مورخ پیشین را ذکر می کند و تنها تفاوت آن است که وی ابعاد دو فرسنگ طول برای قلعه گلین میانه شهر «شهرستان» بیان نموده است (حسینی حائری مجدی، ۱۳۴۲: ۷۷۵).



تصویر ۲- نقاشی نصوح مطراق چی (مطراق چی، ۱۳۷۹: ۹۷)

با گسترش تحولات سیاسی از دوران صفویه به موازات مورخان و جغرافی نویسان مسلمان، سیاحان اروپایی نیز وارد شهرهای مختلف می گردند و تحولات شهری را به دقت مورد بررسی قرار می دهند. پیتر دلاواله در سال ۱۶۱۷ م. همدان را در زمره شهرهای نسبتاً بزرگ قرار می دهد که جمعیت قابل توجهی دارد؛ ولی از لحاظ خانه سازی و وضع اهالی و بسیاری جهات به دهات شباهت دارد. خانه ها همه دارای حیاطی هستند که در آن، درختان میوه کاشته شده و این درختان در خیابان ها و میدان های شهر نیز همه جا به چشم می خورد و به خصوص درخت انگور همه جا فراوان است؛ و مانند شهرهای اصلی دیگر، دارای بازار مسقفی است. در واقع همدان مرکز یک خان است که سلطان های متعددی را تحت فرمان دارد و به سرزمین های اطراف نیز حکومت می کند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۶-۱۷).

شاردن چند دهه بعد در سفرنامه خود به نقل از احمد جیهانی مورخ نیمه دوم قرن چهارم ه.ق وسعت همدان را کوچکتر از بخش یهودیه اصفهان می داند (شاردن، ۱۳۷۲-۱۳۷۵: ۱۷۷۲/۵). وی همچنین به ساخت خانقاهی بزرگ در دوران غازان خان در شهر همدان اشاره دارد (همان: ۱۸۹۲/۵). اولیاء چلبی اوغلو در سال ۱۰۶۵ ه.ق از همدان دیدار کرده و درباره شهر می نویسد که آن جا را در زبان یونانی «دارینه» یعنی تخت گاه دارا می نامند. قلعه ای به شکل مثلثی از جنس سنگ در وسط می باشد، پیرامون شهر را خندقی که زیاد عمیق نیست، فراگرفته، شهر باروهای بلند دارد و چهار دروازه شهر، دروازه قم، بیستون، درگزین و بغداد هستند. داخل قلعه، حمام، جامع، خان و دکان وجود دارد (چلبی اوغلو، ۱۸۹۶ م: ۳۴۶). چشمه های فراوان از الوند سرچشمه می گیرد (همان: ۳۴۷). همچنین

شهر، دارای یک کنیسه می‌باشد، باغ‌های فراوان، اطراف شهر را در بر گرفته است. شهر قدیم همدان، شهرکی در جانب شرقی است (همان: ۳۵۰). چهار دروازه مذکور در توصیفات اولیا چلبی، یک سده پیش‌تر در نقاشی نصوح مطراق‌چی نشان داده شده است (تصویر ۲).

همدان در نبرد بین قاجارها، زندیان و والیان اردلان کردستان، در سال ۱۲۰۵ هـ.ق به تسخیر آغا محمدخان قاجار درآمد. شاه قاجار پس از فتح شهر، آن را غارت و نابود کرد (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۸۱). بر روی تپه مصلا قلعه مستحکمی وجود داشت که آغا محمدخان قاجار در هنگام تصرف و غارت شهر آن را متصرف شد و به جز یک برج، سایر قسمت‌ها را به کلی ویران و منهدم کرد تا یادبودی از فتوحاتش باشد (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۸۰).

مستوفی در سال ۱۲۰۶ هـ.ق تنها به مسجد شاه همدان اشاره دارد که در دوره شاه عباس دوم صفوی تعمیر گشته است (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۰۲)؛ اما امروزه اثری از آن باقی نمانده است. اولیویه در سال ۱۷۹۶ م. ساختار شهری همدان را در زمین مستوی و همواری بیان می‌کند؛ علی‌رغم جایگاه بسیار بزرگ و معظم این شهر در طی دوران صفویه، پس از انقراض این دودمان به بلاها و فلاکت‌های متعاقب گرفتار شده است و جز «قصبچه‌ای» بیش به چشم نمی‌آید. با این وجود بازه و حصار شهر هنوز آثار عظمت را دارد و بعضی ابنیه که از آجر ساخته‌اند، خوب هنوز باقی است و چند مسجد نیکو برجاست؛ اما جمعیت آن رفته و بیشتر از نصف خانه‌ها خراب شده و از قلعه آن، اکثر مواضع منهدم شده است. ارگ که در جانب شهر و در روی تلی واقع بود، حال بالکله ویران است (اولیویه، ۱۳۷۱: ۴۹)؛ امروزه کارخانجات امتعه حریر و پارچه‌های ریسمانی از کار افتاده است، وی نیز مانند مورخان اسلامی توقف سلاطین در همدان را به واسطه اعتدال هوا و سلامتی آن و کثرت میوه و فراوانی محصولات می‌داند (همان: ۵۰). نکته حائز اهمیت در گفته‌های وی اشاره به چندین مسجد نیکوست. تاکنون در نوشتار اکثر مورخان و جغرافی نویسان تنها به مسجد جامع در شهر همدان اشاره شده است. مساجد مورد نظر وی در دوران صفویه و بر حسب گسترش بافت شهری و ایجاد مساجد محله‌ای در کوی‌های خاص شهر ایجاد شده‌اند.

کرمانشاهی در سال ۱۲۲۵ هـ.ق اشاره دارد که علی‌رغم خوبی آب و هوا و کثرت انواع گل‌ها و گیاهان، خانه‌ها در ساختار شهر همدان بسیار اندک است (کرمانشاهی، ۱۳۷۲: ۱/۲۳۲). سرجان ملکم در سال ۱۸۱۳ م. همدان را شهر قدیم اکباتان می‌داند که ساختار شهری قابل توجهی ندارد. قبر استر و ابوعلی سینا در وسط شهر قرار گرفته است. شهر همدان را به مانند دیگر شهرهای ایران دارای عمارات خوب می‌داند. شهر نزدیک به رودخانه ساخته شده و دیوارهای خانه‌ها از گل است؛ زیرا از نظر وی چوب در سرزمین ایران کم است. سقف اکثر عمارت‌ها مسطح است و اندرون خانه‌ها وضعی بهتر از بیرون آن‌ها دارد (ملکم، ۱۳۸۰: ۲/۷۹۹۲).

موریه وضع شهر همدان را که در دامنه کوه الوند است، همانند بروسا می‌داند؛ به ظاهر شهر همدان زمانی بسیار پهناور بوده؛ ولی اینک توده‌ای از ویرانه‌های درهم برهم و غم‌انگیز شده است. راه‌هایی که به بخش‌های مسکونی می‌رود، از میان یک رشته دیوارهای شکسته و ویرانه می‌گذرد؛ بخش‌های به جا مانده آن‌ها نشان می‌دهد که پیش‌تر در اینجا عمارت‌هایی زیبا بوده است. وی اقامتگاه خویش را در شمار بهترین خانه‌های شهر می‌داند؛ زیرا عمارت‌های دیگر وضعی بد داشتند. کوه الوند چشمه‌های فراوان و زیبا دارد. سیلابی از این چشمه‌ها به درون شهر و زمین هموار پیرامون آن روان است و از این رو، همدان یکی از پرآب‌ترین جاهای ایران است. در سکونتگاه‌های کنونی شهر، جای جای، درختانی هست که تنوع و حتی زیبایی به این جاها می‌دهد (موریه، ۱۳۸۶: ۲/۳۰۴).

مهمترین بنای همدان مسجد بزرگ جمعه است که اینک در آستانه ویرانی است. در برابر آن، میدانی است که به جای بازار است. نزدیک مسجد آدینه در حیاطی پر از سنگهای گور، ساختمانی است دو اتاقه به نام آرامگاه استر و مردخای که از آجر ساخته شده است (همان، ۲/۳۰۵). در بخش شمالی شهر بر حسب تصادف اثر تاریخی پایه یک ستون کوچک را یافتیم، که در همان سبک و سیاق پایه‌های بزرگتر

ستون‌های تخت جمشید و به ظاهر از جنس همان سنگ است (همان، ۳۰۷/۲). از فراز يك بلندی به نام مصلی همه پهنای شهر در برابر چشم ما بود. پیش‌تر دژی استوار بر فراز این بلندی بوده اما آغا محمدخان آن را نابود کرده و تنها يك برج گرد بزرگ به جا گذاشته تا بر استواری پیشین آن گواه باشد. آثار گونه‌گون و کهن اسلامی در گوشه و کنار شهر همدان فراوان است. مانند سنگ‌های گور و برج‌ها و مسجدهای کهنه و بازارهای کهنه و کتیبه‌هایی که به خط کوفی است (همان، ۳۰۸/۲).

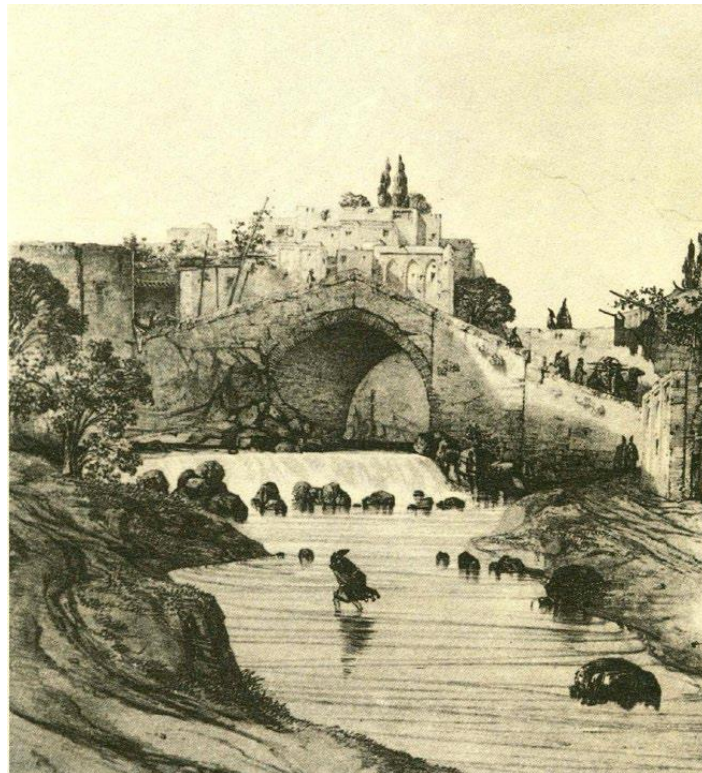
باکینگهام در سال ۱۸۱۷ م شهر همدان را دیده و مدخل شهر همدان را همانند کوچکترین ورودی یک روستا وصف کرده و نوشته است که ویرانه‌ها و ساختمان‌های متروکه همه‌جا به چشم می‌خورد (باکینگهام، ۱۳۸۰: ۴۴۹). دروویل در سال ۱۸۲۸ م اکباتان را پایتخت باستانی مدی می‌داند که از لحاظ شهریت در سطح پایین قرار دارد. اطراف و اکناف آن بسیار زیبا است و آثار باستانی جالبی آن‌جا وجود دارد. همدان به سبب خوبی میوه‌هایش بسیار شهرت دارد (دروویل، ۱۳۶۵: ۳۶۷).

لایارد در سال ۱۸۳۹ م از همدان دیدن نموده، علی‌رغم اقامت یک‌ماه در شهر هیچ‌گونه توضیحی در خصوص ویژگی‌های شهری ارائه نمی‌کند. وی فقط در سفرنامه خود به باغ‌های فراوان میوه در اطراف شهر اشاره دارد (لایارد، ۱۳۶۷: ۳۳).

فلاندن در سال ۱۸۴۱ م شهر همدان را به گونه‌ای توصیف می‌کند که مسجد، مدرسه، کاروانسرا و بازاری جالب توجه در آن وجود ندارد. شهری کوچک و کم‌وسعت است که حدود چهار پنج هزار نفر جمعیت دارد. عیسویان این شهر کم و بیشتر مردمش یهودی هستند که این امر به دلیل مدفون بودن استر در این شهر است. از داخل شهر رودخانه تندسبلی می‌گذرد که از دامنه کوه الوند می‌آید و بر روی این رود، چندین پل بنا شده که حالتی زیبا به شهر داده است (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۷۷)، (تصویر ۳).

وی در ادامه به اراضی همدان اشاره دارد که سبز هستند و از جویبارهای بی‌شمار مشروب می‌گردد؛ سطح‌شان یکسان و بدون پستی و بلندی است. در شهر جدید به استثنای چند تکه ستون که در بخش جنوب شهر یافت می‌شود، آثار دیگری از شهر قدیم وجود ندارد. ساختمان‌های قدیمی با سنگ‌های مختلف در بخش جنوبی شهر وجود دارد (همان، ۱۷۹). نزدیک به دیوار شهر و بخش جنوب‌غربی بقایای شیر سنگی در توده‌ای از خاک به چشم می‌خورد. تپه مرتفع و مستحکم مصلا در بخش شرقی شهر قرار دارد که از بالای آن همه شهر هویدا است. قلعه آن در زمان آغامحمد خان قاجار ویران گشته بود (همان، ۱۸۰).

عین‌السلطنه همدان را شهر قشنگی می‌داند. اطراف شهر تا چشم کار می‌کند سبز و خرم است. ارمنی و یهود همدان زیاد است. سید خاunar یهود ساکن همدان است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۷۶/۱). در همدان، هر باغی یک چمن و یک حوض آب دارد که جای نشستن صاحب باغ و عابری است. تمام باغات یک چمن به این دو شکل دارند (همان، ۳۸۸/۱). در اواخر دوران قاجار اوایل دوران پهلوی در سفرنامه بلوشر؛ اکباتان در بافت شهری همچنان دست نخورده بوده است؛ زیرا شهر جدید همدان، درست روی ویرانه‌های اکباتان ساخته شده است (بلوشر، ۱۳۶۹: ۲۴۵).



تصویر ۳- طرحی از نمای کلی همدان و رودخانه مجاور هگمتانه توسط فلاندن و کوست

(Flandin - Coste, ۱۸۵۱, Volume ۵ : xviii)

۵. تحولات بافت شهر همدان در دوران قاجار

بنا بر آنچه که از گذشته تا به امروز نقل شده و همچنین به تناسب فرضیاتی که در اجزا و عناصر شهر عنوان شده است، تجزیه و تحلیل نقشه تفصیلی شهر همدان در سال ۱۸۵۱ م توسط سروان پروسکوریاکف و اگرانویچ^۱ انجام گرفته است. بر اساس اطلاعات موجود در آن، امکان توجه به خصوصیات طراحی شهر همدان فراهم گردیده است. از وضعیت خرابه‌های شهر، باقیمانده‌های دیوارهای دفاعی، خیابان‌ها و نظام طراحی شهر می‌توان نقشه‌ای جامع از وضعیت بسیاری از بناها و ساختمان‌ها را روشن نمود و می‌تواند مبنای شناخت ساختار اصلی شهر همدان باشد. محدوده شهر همدان دارای وسعت $4 \times \frac{2}{5}$ کیلومتر می‌باشد. جریان آب مرادیگ شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند. در توپوگرافی تاریخی غنی شهر در گوشه شمال شرقی، آثار دیوار خشتی مربوط به دوران باستانی شهر را می‌توان ملاحظه کرد و در گوشه جنوب شرقی بر روی تپه‌ای کوتاه، آثار دیوارهای دفاعی بدون برج به شکل یک مستطیل ممتد با نام قلعه مصلی باقی مانده است. همدان مانند سایر شهرهای قرون میانه ایران به وسیله دیوارهای دفاعی محصور شده است. ده دروازه از طریق راه‌های کاروان‌رو، شهر را با بسیاری شهرهای دیگر مرتبط می‌سازد (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۳). (نقشه ۱)

^۱ تحت راهنمایی ستاد کل سرهنگ چیرکیف



نقشه ۱- نقشه قدیمی شهر همدان که در سال ۱۸۵۱ م توسط روس ها ترسیم شده اس (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸)

این در حالی است که شهر به استناد نقاشی مطراقچی در دوره صفوی دارای چهار دروازه بود؛ اما شهر در دوره قاجار دارای ده دروازه بوده است. این دروازه‌ها از شمال غربی به شرق عبارت از: ۱. دروازه بنه بازار که به سوی سیدآباد^۱، شهر کنگاور و کرمانشاهان می‌رفت؛ ۲. دروازه بهار که به سوی شهر سنندج می‌رفت؛ ۳. دروازه چهار باغ که به سوی شهر تبریز می‌رفت؛ ۴. دروازه تهران که به سوی تهران می‌رفت؛ ۵. دروازه شیرین که به سوی سلطان آباد گلپایگان می‌رفت؛ ۶. دروازه سنن‌شارکه به سوی شهر بروجرد می‌رفت؛ ۷. دروازه‌ای که به سوی شهر نهاوند و بروجرد می‌رفت؛ ۸. دروازه قلعه حاجی‌آباد که به سوی نواحی اطراف کوه الوند می‌رفت؛ ۹. دروازه علی قبول یا اهل قبور که به سمت تویسرکان، کنگاور و کرمانشاه می‌رفت؛ ۱۰. دروازه گنبد (زارعی، ۱۳۹۰: ۶۷).

از میان دروازه‌های ده گانه عین‌السلطنه از دروازه شورین برای ورود به شهر همدان یاد می‌کند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۶۶/۱)؛ زیرا تمام خوانین همدان یک خانه در شورین و یک عمارت خوب در نزدیک شهر دارند (همان، ۱۳۶۷/۱). تعداد دروازه‌ها نشانگر راه‌های ارتباطی و تجاری شهر همدان در اعصار پیشین بوده‌اند؛ در اسناد و مدارک ساختار شهری پیش از قاجاریان، سازمان فضایی شهر همدان متأثر از کاروانسراها بود. در واقع چنین سازمان فضایی فقط به اتکای دلایل و شواهد عملکردی شکل می‌گیرد؛ بدین معنی که شهر در انتهای مسیرهای اصلی دارای چندین دروازه بوده است و از این دروازه‌ها مسیرهایی به کاروانسراها منتهی می‌شده؛ احتمالاً وسعت کاروانسراها متناسب با اهمیت این مسیرهای ارتباطی بوده است. وضعیت استقرار کاروانسراها به گونه‌ای بوده که ارتباط با فضاهای مبادلاتی را تأمین می‌کرده است. با رعایت سلسله مراتب، سایر فضاهای شهری در لابه‌لای این عناصر اصلی شهر مستقر بوده‌اند (مهندسین مشاور توسعه خانه سازان ایران، ۱۳۷۱: ۴۸-۴۹).

تمام محدوده شهر به شش محله که عبارت بودند از: بنه بازار، جولان، دردآباد، مهتران و رمزیاد تقسیم شده است. میدان‌ها با مستحدثات عمومی (مساجد، حمام، فروشگاه‌ها) مرکز محله‌های شهر هستند و نقاط حمایت‌کننده ساختار طراحی شهری را تشکیل می‌دهند. نقطه ثقل مرکز محله‌های کوچک به سمت مرکز شهر می‌باشند و منشأ خود را از دروازه و رمزیاد و دروازه قلعه حاجی‌عباس در جنوب غربی گرفته و در حدود ۲ کیلومتر تا انتهای شمال غربی شهر امتداد می‌یابد. منشأ این نحوه ساختار مرکز شهر دقیقاً به توسعه شهر در قرن‌های گذشته و سنت طراحی شهری در محدوده شهر باستانی باز می‌گردد. مساجد در امتداد بازار و در کناره راه‌های اصلی بنا شده‌اند و

(^۱) اسدآباد

ورودی آنها در میدان‌ها واقع است؛ همراه با مساجد، زیارتگاه‌ها نیز جایگاه ممتازی را در معماری و محیط شهری اشغال کرده‌اند. این بناهای عمومی یادواره‌ای، با محله‌های مسکونی ممزوج شده‌اند و در ساختار مرکز شهر استقرار یافته و نقش مهمی را در شکل‌گیری نظام‌های طراحی و سیمای عمومی شهر ایفا می‌نمایند.

برجسته‌ترین بناها در نظام مستحذات عمومی شهر، کاروانسراها به شمار می‌روند آنها منطقه وسیعی را در تمامی طول مرکز اجتماعی، تجاری در کنار میادین و در جوار بازارها به خود اختصاص داده‌اند. همراه با کاروانسراها بناهای دیگری به نام خان نیز وجود داشتند و دارای انواع مختلفی بوده که از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند؛ از همین رو عمده بناهای عمومی در اطراف میدان‌های متعدد گرد آمده‌اند و در راستای جنوب شرقی از مرکز شهر متمرکز شده‌اند. نهایتاً مرکز شهر با طولی بیش از ۱۲۰۰ متر مسیر خود را به سمت شمال غربی تغییر داده و کماکان در کنار محله‌های مسکونی قرار می‌گیرد (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۴). (تصویر ۴)



تصویر ۴- تصویری از شهر همدان در دوره قاجار که برج و بارو کهندژ در آن مشخص است (زارعی، ۱۳۹۰: ۶۶)

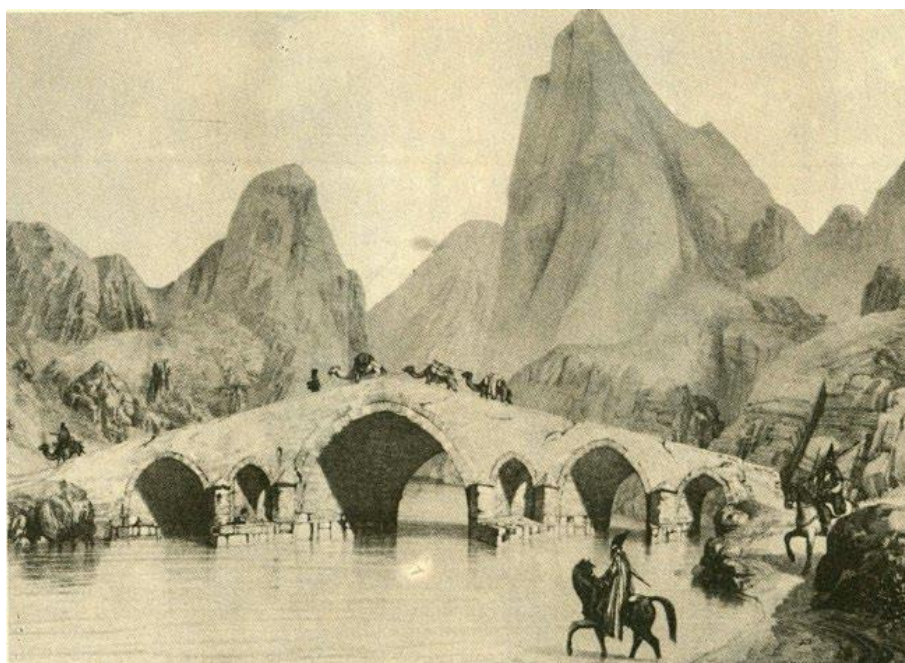
سایکس اشاره به سی هزار تن جمعیت در شهر جدید دارد که عده‌ای از آن‌ها یهودی می‌باشند و شهر را بسیار کثیف توصیف می‌کند. تپه مصلی که سابقاً پایتخت معروف ماد بر روی آن واقع بوده در مشرق شهر جدید واقع است (سایکس، ۱۳۸۰: ۱/۱۵۶). جکسن شکل و طرح شهر را به صورت متوازی الاضلاعی ترسیم نموده که از شمال به جنوب امتداد دارد. کوه الوند با فاصله‌ای در حدود سه میل «۵ کیلومتر» در سمت جنوب قرار گرفته است و مصلی یا دژ تپه متصل به قسمت شرقی شهر می‌باشد و قسمتی از آن را تشکیل می‌دهد. شهر از نظر امور اداری به چهار ناحیه یا محله تقسیم می‌شود که هر یک را کدخدایی جداگانه است و این کدخدا در برابر حاکم، مسئول است؛ اما شغل او عملاً موروثی است. وی در ادامه از از کوچه‌های پرپیچ و خم و پس کوچه‌هایی که جویهای آب کثیف در آنها جاری بود، همچنین ردیف خانه‌های کهنه‌خرابی که بام‌های مسطح گلی داشت، و در هیچ جا منظری از زیبایی به چشم نمی‌خورد. جکسن اشاره دارد که از کوچه‌های پیچ‌پیچی عبور می‌کرده که از میان گورستان مسلمانان که در قلب همدان قرار دارد، می‌گذشت (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

قسمت جنوبی همدان محله یهودیان قرار دارد. عده یهودیان این شهر را پنج هزار تن تخمین زده‌اند و محتمل است که این رقم صحیح باشد؛ زیرا از روزگاران قدیم یهودیان در همدان می‌زیسته‌اند (همان، ۱۷۱). یکی از علل تعداد کم مساجد تا پیش از دوران صفویه و قاجار در بافت شهری همدان، وجود یهودیان ساکن در شهر است که تعداد قابل توجهی از جمعیت شهری را به خود اختصاص داده بودند.

پنج میدان اصلی شهر عبارتند از: میدان میرعادل، میدان چهار سوک، میدان بزرگ، میدان باخگان و میدان جودی که در وضعیت طراحی فوق‌الاشعار مستقر شده‌اند. پنج میدان دیگر به اسامی میدان قلعه مصلی، میدان قربانگاه، میدان گلپتیه، میدان قبرستان و میدان ورمزیار در جنوب شرقی شهر استقرار یافته‌اند و بخش اعظم محدوده شهر که از شمال غربی به جنوب شرقی بسط یافته، به منطقه مسکونی تعلق دارد که دارای مرکز اجتماعی کوچک ولی با اهمیت محلی است (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۴).

در هر یک از حالت‌های سازمان‌یابی فضای مسکونی شهری، شرایط طبیعی تا حدود زیادی تعیین‌کننده بوده است و به تدریج هر چه به حاشیه شهر نزدیک‌تر می‌شویم، منظره چشمه‌سارها بیشتر و سطح باغ‌ها نسبت بالاتری را شامل می‌شوند. این جویبارها در حاشیه راه‌های پُریچ و خم، نهرها را دنبال می‌کرده به سمت نهر اصلی که از میان شهر می‌گذشته، جمعاً شریان‌های اصلی شهر را به وجود می‌آورده است (مهندسین مشاور توسعه خانه‌سازان ایران، ۱۳۷۱: ۵۰).

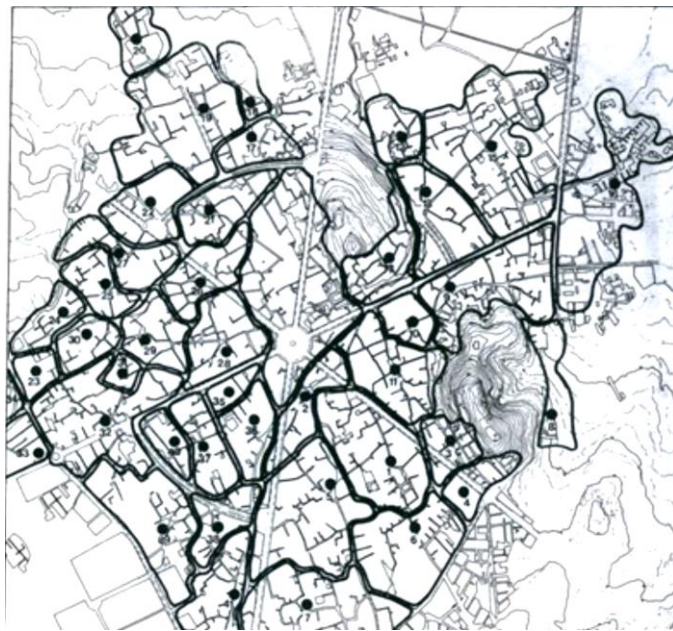
جکسن در رابطه با اهمیت رودها و جویبارها می‌نویسد که رودخانه بی‌اهمیت الوسجرد از وسط شهر می‌گذرد و بر روی آن، چندین پل سنگی یک چشمه، و چند پل چوبی زده‌اند. در بهار، آب این رودخانه بر اثر آب شدن برف‌های الوند بالا می‌آید؛ اما در تابستان تقریباً خشک است و آن قدر آب دارد که بتواند آسیاهای آبی ویرانی را که در ساحل آن قرار دارند، بگرداند (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۷۰)، (تصویر ۵)



تصویر ۵- پل قدیمی در ورودی شهر همدان (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

در فاصله این راه‌های پُریچ و خم، مجموعه‌های مسکونی اقوام و مذاهب مختلف و یا حرفه‌های گوناگون، با رعایت سلسله مراتب درونی خود شکل می‌یافته است؛ در نهایت این راه‌ها به کاروانسراها و فضاهای جنبی خدماتی مربوط به آن‌ها منتهی می‌شده است. در

حد فاصل کاروانسراها با حصار و باروهای کاخ شاهی، رأس این سلسله مراتب سیستم‌های شهری «اعیان و خواص» اقامت داشتند. حصارهای متعدد شهر با رعایت سلسله مراتب درونی و خاص شهر مستقر می‌گشته است (مهندسین مشاور توسعه خانه سازان ایران، ۱۳۷۱: ۵۰)، (نقشه ۲).



نقشه ۲- موقعیت محله‌های قدیمی شهر همدان (کندلیس، ۱۹۷۳: ۱۴۹)

بر اساس مدارک مستند در نقشه‌روس‌ها در ساختار طراحی مرکز شهر، ۲۰ راسته‌بازار وجود دارد که عناصر ترکیب حجم فضایی میدان‌های عمده را تشکیل می‌دهد. حدود ۴۰ مسجد در مرکز بافت اجتماعی شهر وجود دارد. همچنین در ساختار شهر، حمام در ارتباط نزدیکی با بناهای مذهبی و تجاری قرار دارد. در همه جای همدان، نظیر خرابه‌های استحکامات مصلی، اکباتان باستانی، برج قربان و گنبد علویان در محله مهتران، بقایای آثار پیشینیان وجود دارد. این یادمان‌های باستانی تاریخ معماری، اطلاعاتی غنی را در باب شهر، بناهای وابسته به استحکامات و ویژگی‌های طراحی توسعه محدوده شهر را به دست می‌دهد. نظیر بخش جنوب غربی شهر که استحکامات مربوط به قصرهای شاهزادگان قاجار را در دل خود دارد (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۴ - ۵۵).

متأسفانه به دلیل نابسامانی حاکم در یک دوره طولانی تا پس از جنگ جهانی اول، طبعاً خسارت‌های زیادی به باغ‌های داخل شهر وارد گردید. بخشی از اراضی ساخته نشده و یا ویران که جهانگردان از آن صحبت می‌کنند مربوط به همین باغ‌هاست و بخش دیگر مربوط به اراضی ساخته نشده روی خرابه‌های قلعه شاهی قدیم بوده است (مهندسین مشاور توسعه خانه سازان ایران، ۱۳۷۱: ۵۲).

به هر صورت بافت شهر همدان با این روند تا اواخر قاجار و اوایل پهلوی تداوم یافته است و اندیشه دگرگونی و تغییر در ساختار شهر، با احداث میدان اصلی با اصول شهرسازی جدید بوده است. از آغاز انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۳۲۴ هـ ق و برپایی انجمن ولایتی «مجلس فوائد عامه» همدان، به ویژه تأسیس بلدیه «شهرداری» در سال ۱۳۲۷ هـ ق در این شهر پیدا شد (اذکایی، ۱۳۸۰: ۱۷۱). پس از این رخدادها بود که شهرداری، یک میدان با طراحی یک مهندس چرم‌ساز آلمانی به نام کال فریش را در دستور کار قرار داد و ساختار شهر را دگرگون نمود. این میدان که شش خیابان از آن جدا گردیده (زارعی، ۱۳۹۰: ۶۸)، به عنوان ساختار اصلی توسعه شهری در دهه‌های پس از آن تا دوره معاصر مطرح گردیده است. اگرچه احداث این میدان و خیابان‌ها آثار بارزشی از میان رفت، باید اذعان نمود

میدان و خیابان‌های شش‌گانه به عنوان یک یادمان از معماری دوره معاصر قلمداد می‌شود. این طراحی، هوشمندانه بود و خیابان‌ها در آن‌ها به سویی نقاط اصلی رهنمون شده و تا به امروز هم محور اصلی توسعه شهری بوده است (همان، ۱۳۹۶). با توجه به عوامل توسعه شهر قدیم همدان و شرایط اجتماعی، اقتصادی که در این توسعه تاثیرگذار بوده می‌توان نقاط زیر را به عنوان اتصالات شهری همدان به شمار آورد: ۱- مجموعه بازار به عنوان هسته مرکزی داد و ستد؛ ۲- شبکه محلات و گذرهای شهر؛ ۳- میدان مرکزی شهر همدان به عنوان نقطه محوری شهر و برخی از میادین مهم مانند میدان عباس‌آباد؛ ۴- محل تقاطع خیابان‌های کمربندی و خیابان‌های منشعب شده از میدان مرکزی شهر همدان؛ ۵- امامزاده و بقاع متبرکه (بررسی و مطالعه بازارها و مجموعه‌های قدیمی چند شهر ایران، ۷۵)، (نقشه ۳).



نقشه ۳- بافت شهر همدان در دوران حکومت قاجار (کندلیس، ۱۹۷۳: ۱۴۹)

نتیجه‌گیری

با ورود اسلام و استقرار اعراب و خاندان‌های عرب در نواحی خاص، تغییر و تحولات عمده‌ای در بافت شهر پدید می‌آید. حصار، ربض، شارسن‌ها هر یک از ویژگی‌های شهرهای دوران اسلامی است که در بافت شهری همدان به اقتضای زمان پدید آمده است. وجود باغ‌های فراوان و چشمه‌سارها که در متون تمامی مورخان، جغرافی‌نویسان و مستشرقان بیان شده، بافت نمای شهر را دچار تغییر نموده و آن را به مانند روستا جلوه‌گر ساخته است؛ در حالی که وسعت آن، چند برابر روستاهای اطراف است. اکثر خانه‌ها مانند دوران پیش از اسلام از گل و خشت ساخته شده‌اند و پیرامون آن‌ها را باغ‌های فراوان در بر گرفته است، وجود این باغ‌ها و سرسبزی شهر، گواه پایتخت بودن آن در طول سده‌های مختلف است که آب و هوایی مطبوع را به وجود می‌آورده است. در دوران سلجوقیان و سپس ایلخانیان شهر بارها ویران گشت و شهرک‌های نو پدید آمد. با قدرت گرفتن صفوی ساختار شهر به لحاظ بناهای مذهبی نظیر مساجد و آرامگاه‌ها تغییر نمود، در دوره قاجار و با اصلاح نقشه شهری شهر، حالت شعاعی پیدا نمود و مسیرهای اصلی و فرعی شهر مشخص گردید. در کوی و برزن‌ها بناهای کاربردی ساخته شد تا رفاه حال عموم را در پی داشته باشد. انشعابات مرکزی، امکان دسترسی به فضاهای شهری را به بهترین نحو فراهم ساخت.

منابع و مأخذ

- ابن حوقل، محمد بن حوقل، (۱۳۶۶). *ایران در صوره الارض*، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ابوالفدا (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- الاثیر، عزالدین علی بن (۱۳۵۲). *الکامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، جلد ۴*، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۳۴۹). *مختصر البلدان، بخش مربوط به ایران*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- اذکایی، پرویز (۱۳۸۰). *همدان نامه؛ بیست گفتار درباره مادستان*، همدان: نشر مادستان.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالك و ممالك*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تهران: اطلاعات.
- باکینگهام، جیمز سیک (۱۳۸۰). *سفرنامه*، ترجمه منیژه اذکایی، *همدان نامه (بیست گفتار درباره مادستان)*، همدان: نشر مادستان،
- بلوشر، ویرت (۱۳۶۹). *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۲). *تاریخ شهرنشینی در ایران از آغاز تا سلسله قاجار*، تهران: آرمانشهر.
- تودولایی، رابی بنیامین (۱۳۸۰). *سفرنامه رابی بنیامین تودولایی*، مترجم مهوش ناطق، تهران: کارنگ.
- جکسن، آبراهام آبراهام والتاین ویلیامز (۱۳۸۷). *سفرنامه جکسن؛ در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۳۷۶). *ترجمه تقویم التواریخ*، تهران: میراث مکتوب.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو، جلد ۱*، مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- حسینی حائری مجدی، مجد الدین (۱۳۴۲). *زینت المجالس*، تهران: کتابخانه سنایی.
- خزرجی، ابودولف (۱۳۵۴). *سفرنامه ابودولف در ایران*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- خزائل کردستانی، رضا (۱۳۳۲). *خلاصه تاریخ همدان*، تهران: بی نام.
- خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۳۳). *تاریخ حبیب السیر از اواخر مغول تا انقراض صفوی، جلد ۳*، مقدمه جلال الدین همائی؛ زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه خیام.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵). *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شباویر.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: علمی فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه جلد چهارم (۱۲۵۸-۱۳۳۴ هجری)*، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۱*، تهران: نگاه
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۹۰). *ساختار کالبدی- فضایی شهر همدان از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار براساس مدارک و شواهد موجود، فصلنامه نامه باستان شناسی*، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص ۵۷-۸۲.
- سایکس، سرپرسی مولزورث (۱۳۸۰). *تاریخ ایران، جلد ۱*، محمد تقی فخردایی گیلانی، تهران: افسون.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۹). *شناخت شهرهای ایران*، تهران: علم و زندگی.
- سیف‌آبادی، نجم الدین (۱۳۱۸). *مجموع التواریخ والقصص*، ترجمه و تصحیح ملک الشعرای بهار، تهران: بی نام.

- شاردن، ژان (۱۳۷۲-۱۳۷۵). *سفرنامه شاردن*، جلد ۵، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، جلد ۱۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طوسی، محمد بن محمود بن احمد (۱۳۸۲). *عجایب المخلوقات*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). *تاریخ جهان آرا*، تهران: کتابفروشی حافظ.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: اشراقی.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۳۵). *سفرنامه ناصر خسرو*، تهران: زوار.
- قدامه، جعفر (۱۳۷۰). *الخراج*، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران: البرز.
- قراگزلو، غلامحسین (۱۳۶۶). *هگمتانه تا همدان*، تهران: اقبال.
- بهبهانی، احمد بن محمد علی ملقب به آقا احمد کرمانشاهی (۱۳۷۲). *مرآت الاحوال جهان نما*، جلد ۱، با مقدمه و تصحیح و حواشی علی دوانی، تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- گردیزی، ابی سعید عبد الحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۶۳). *زین الاخبار*، محقق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- لایارد، سر اوستن هنری (۱۳۶۷). *سفرنامه لایارد «ماجرای اولیه در ایران»*، ترجمه مهرا ب امیری، تهران: وحید.
- محمود قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار و به تصحیح و تکمیل میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۸۱). *نزهت القلوب*، به اهتمام محمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.
- مستوفی، محمد محسن بن محمد کریم (۱۳۷۵). *زبده التواریخ*، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- مصطفوی، محمد تقی (۱۳۳۲). *هگمتانه*، بی جا، بی نام.
- مطراق چی، نصح (۱۳۷۹). *در بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان*، ترجمه رحیم رئیس نیا، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مقدسی، ابو عبد الله محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، جلد ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی.
- ملکم، جان (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*، جلد ۲، ترجمه اسمعیل بن محمد علی حیرت، تهران: افسون. منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). *خلاصه التواریخ*، به تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- موریه، جیمز جاستینی نین (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه*، جلد ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- مهریار، محمد، شامیل فتح الله، فرهاد فخار تهرانی، بهرام قدیری (۱۳۷۸). *اسناد تصویری شهرهای ایران دوره قاجار، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- مهندسین مشاور توسعه خانه سازان ایران، *محور فرهنگی- تاریخی همدان (طرح)*، (۱۳۷۱)، همدان: اداره کل مسکن و شهر سازی استان.
- میرزا سالور، قهرمان میرزا عین السلطنه (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، جلد ۱، به کوشش: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

یاقوت، حموی (۱۹۷۷). *المعجم البلدان*، جلد ۵، بیروت: دارصادر.

یعقوبی، ابن واضح (۱۳۴۷). *البلدان*، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب.

*منابع لاتین

Çelebi, Evliya, (۱۸۹۶), seyahatnamesi ۱۶۸۲-۱۶۱۱, Publisher dm Matba'asi

The importance of using historical geography texts and travelogues to know the position of the city of Hamedan in the Islamic era

Abstract

The city of Hamedan, in terms of unique climatic features and urban structure, has been considered as one of the most significant cities in the western region of Iran since pre-Islamic times. The settlement of Arabs and various families during the Islamic centuries in different areas of Hamedan led to major changes and transformations in the urban fabric. Important historical, geographical and social documents from the Islamic era have remained regarding the changes and developments and development of the urban fabric of Hamedan. Now this question arises; Will the historical texts be able to clarify the contexts, reasons and process of the development of the city during the Islamic era? Is it possible to determine the spatial organization of this city in Islamic times and during the transition to the Qajar period, relying on historical information? Based on the above questions, the purpose of this study is to study the continuity of life in the urban context of Hamedan, which using descriptive-analytical method and citing geographical and historical texts to evaluate the life of Hamedan to study the reasons of natural geography And to show the ancient urban texture, an indicator of the continuity of life of this ancient city.

Key word; Hamedan, Islam, historical geography, urban context